



۲۰۱۸/۰۸/۱۲

عبدالفتاح رؤفی

## آیا محترم داکتر محمد اشرف غنی واقعاً یک فاشیست و قوم گرا است؟

قسمت اول



### پیشگفتار

من از نوشتن مقالات و به نشر سپردن آنها در رسانه ها و وبسایت های اینترنتی خیلی ها پرهیز می نمایم چون نه من خود، و نه کدام عضو فامیل من در چوکات دولت و حکومت افغانستان صاحب کدام منصب و مقامی بوده ایم و نه به نفع کدام جریان و حزب سیاسی فعالیت داریم. اما من خود و اعضای فامیل من از همان آغاز جنگ و بحران ها در افغانستان مانند میلیون ها افغان خاموش که فریاد شانرا کسی نمی شنود، هستی شان را لگد مال و کلبه های غریبانه و گلی شان را ویران ساخته و می سازند، قربانی گشته ایم و از خرمستی های نیشگان و تشنگان قدرت و نابخردان تفرقه افروز به بینی رسیده ایم.

چیزی که مرا واداشت تا خاموش نمانم و بنویسم همانا توهین ها و تحقیر هایی است که افغان ها در مقالات شان ناسزا نثار یکدیگر و اقوام یکدیگر می نمایند. محتوای این مقاله بر محور استعمال کلمات زشت قبيله گرا، قومگرا و فاشیستی خواهد چرخید که افغان ها در مقالات و تبصره های خویش به آدرس های یکدیگر با بسیار سبکسری و بی باکی به کار می برند.

استعمال کلمات زشت قبيله گرا، قومگرا و فاشیستی به آدرس محترم داکتر محمد اشرف غنی، جلالتمآب رئیس جمهور فعلی افغانستان، نیز صورت می گیرد. من با جناب محترم داکتر محمد اشرف غنی هیچ نوع شناخت شخصی ندارم، نه در تیم انتخاباتی ایشان بودم و همچنان نه برای برگزیدن ایشان برای کرسی ریاست جمهوری افغانستان رأی داده ام. همچنان جناب ایشان می توانند از خود به خوبی دفاع نمایند و من کدام وکیل مدافع ایشان نیستم.

اما از روزی که داکتر محمد اشرف غنی خود را برای احراز کرسی ریاست جمهوری افغانستان کاندید نمودند، از همان آوان مقالات زیاد در ارتباط به شخصیت، کرکتر، درجه تحصیل، کارنامه ها و تجارب کاری ایشان به رشته تحریر آورده شده است.

خواهان ایشان، ایشان را شخصیت دانشمند، با دسپلین، زحمتکش و پرکار و دارای بصیرت سیاسی معرفی می نمودند و می نمایند.

بدخواهان ایشان، و بخصوص کسانی که در حکومت ایشان یا چوکی خود را از دست داده اند، یا با وجود تلاش های انتخاباتی با کدام چوکی و مقام مورد نوازش ایشان قرار نگرفتند، یا در حکومت آقای غنی منافع کاملاً شخصی ایشان در معرض خطر قرار گرفته یا از دست رفته است، ایشان را یک آدم عقده مند، عصبانی و بدگزاره معرفی می نمایند و حتی کلمات فاشیست و قومگرا را نیز ایشان می نمایند.

هرچند ادعا می شود که افغان ها خود این مقالات و تبصره ها را به رشته تحریر نمی آورند، بل حاصل کار کارمندان مدیریت هایی است که در چوکات سازمان های استخباراتی کشورهای منطقه و جهان فعالیت می نمایند. کار اصلی آن مدیریت ها همانا ایجاد تفرقه بین افغان ها و شکستن وحدت ملی شان می باشد تا از منابع سرشار طبیعی و موقعیت جیوپولتیک یا جغرافیایی - سیاسی افغانستان منفعت های خیلی ها کلانی ببرند. اما مقاله محترم محمد عوض خان نبی زاده، منحصراً نمونه خروار، که با عکس مقبول جناب ایشان مزین شده است و در یکی از سایت هایی که از طرف یکده از وطنداران عزیز ما گرداندگی و مدیریت می شود به نشر سپرده اند، شاید کار یکی از کارمندان مدیریت های فوق الذکر نباشد، بل تراوش دماغ جناب خود ایشان باشد. عنوان مقاله جناب نبی زاده صاحب از قرار ذیل است :

## سیاست شوم و نفاق برانگیز حکومت وحدت ملی

اگر عنوان فوق الذکر را در Google جست و جو نمائید، می توانید بازش نموده و مطالعه بفرمائید.

مقاله من تبصره بالای آن مقالات است که داکتر محمد اشرف غنی را طی آنها قومگرا و فاشیست پنداشته اند، تا ببینیم که ایشان واقعاً قومگرا و فاشیست هستند و کدام اجندای دیگری به جز از گرفتن قدرت، امتیازات و صلاحیت ها از غیر پشتون ها و تفویض آن امتیازات و صلاحیت ها را به پشتون ها ندارند، یا اینکه ایشان دارای وسعت نظر در اداره کشور و بصیرت سیاسی برای آینده کشورش می باشند.

### تحلیل

فاشیزم چیست و فاشیست کیست ؟

فاشیزم از کلمه فاشیزمو (Fascismo) ایتالیوی اقتباس یافته است. طبق تعریفاتی که در انترنت برای فاشیزم ارائه شده اند، فاشیزم یک شکلی از ملت پرستی یا ناسیونالیزم است که استوار بر اقتدارگرایی استبدادی می باشد. دیکتاتوری بسا خشن سیاسی، سرکوب اجباری مخالفان سیاسی، کنترل صنعت و تجارت، مخالفت با لیبرالیزم، مارکسیزم و انارشیزم از خصایل برجسته فاشیزم می باشند.

بناءً فاشیست کسی است که یک ملت پرست یا ناسیونالیست اقتدارگرای مستبد باشد، یک دیکتاتور بسا خشن سیاسی باشد، مخالفان سیاسی خود را با جبر سرکوب نماید، کنترل صنعت و تجارت را در کشور خویش به نفع خودش تحت کنترل خویش داشته باشد، با لیبرالیزم، مارکسیزم و انارشیزم مخالفت ورزد.

از تعریفی که فوقاً ارائه شد به خوبی میتوان استنباط کرد که کدام یک از بازیگران سیاسی افغانستان، بخصوص بازیگرانی که بعد از سال ۱۹۹۲ در صحنه سیاسی افغانستان نقش داشته اند، فاشیست و پیرو فاشیزم بوده اند و هستند. شما خود قضاوت نمائید و بگوئید که کدام یک از خصایل فوق الذکر، نظر به شناختی که شما از شخصیت و برداشتی که از اسلوب حکومتداری جناب محترم داکتر محمد اشرف غنی دارید با شخصیت و طرز حکومتداری ایشان مطابقت دارد؟

■ آیا داکتر محمد اشرف غنی یک ملت پرست یا ناسیونالیست اقتدارگرای مستبد است؟

■ آیا داکتر محمد اشرف غنی یک دیکتاتور بسا خشن سیاسی است؟

■ آیا داکتر محمد اشرف غنی مخالفان سیاسی خود را با جبر سرکوب مینماید؟

■ آیا کنترل صنعت و تجارت را در کشورش بنفع شخصی و خانوادگی اش تحت کنترل خویش دارد؟

■ آیا داکتر محمد اشرف غنی با لیبرالیزم مخالفت میورزد؟

■ آیا داکتر محمد اشرف غنی با مارکسیزم مخالفت میورزد؟

■ آیا داکتر محمد اشرف غنی با انارشیزم مخالفت میورزد؟

با وجودیکه نویسنده این مقاله شناخت شخصی با جناب محترم داکتر محمد اشرف غنی ندارد به صراحت می تواند عرض نماید که خوشبختانه هیچ کدام از خصایل فوق الذکر در شأن، شخصیت و اسلوب حکومتداری ایشان گنجایش ندارند چون جناب ایشان:

نه تنها یک ملت پرست یا ناسیونالیست اقتدارگرای مستبد نیستند بل یک شخصیت کوسمپولیت (Cosmopolite) یعنی یک شخصیت جهانی هستند، خود را مربوط به تمام عالم بشریت می دانند و یک دانشمند نیک نام و خوش نام به سطح جهانی می باشند. اگر با زبان انگلیسی بلدیت دارید قبول زحمت فرموده به بیانات، مصاحبات و لکچرهای جناب ایشان که در بیرون از افغانستان ایراد یا داده اند، گوش بدهید تا ببابید و بدانید که ایشان دارای چگونه شخصیتی هستند و با کدام درجه زیور دانش و بصیرت سیاسی آراسته می باشند.

جهانیان وی را یک شخصیت جهانی منحصر به تمام عالم بشریت می شناسند، از گفتار و پندار جناب ایشان می آموزند و لذت میبرند. اگر ما افغان ها نیز چنین بنمایم و از بدبینی های سلیقوی، بیمورد و ناسزای خویش صرف نظر نمایم، ما نیز می توانیم ازین شخصیت خبیر جهانی یک چیزی بیاموزیم. همچنان خواهیم یافت که جناب ایشان به هیچ صورت ملت گرا و قبیله گرا نبوده بل برای خیر و فلاح نه تنها افغان ها بل تمام عالم بشریت می اندیشد و برای رسیدن به این آرمان سترگ انسانی، زندگی خویش را وقف نموده اند.

نویسنده این سطور اعتقاد کامل دارد که همه تلاش های جناب ایشان بالای ختم هرچه عاجل این جنگ خانمانسوز و برادرکشی، جنگی که در آن افغان ها فقد قربانی هستند و کدام منفعتی در آن ندارند، و فقرزدایی در کشور متمرکز

می باشند. ختم جنگ، کاهش و از میان رفتن فقر و گرسنگی در کشور آرمان هر افغان است. بناءً این کوشش ها و تلاش ها را جناب ایشان فقد برای پشتون ها نمی نمایند بل برای هر افغان باشند این سرزمین می نمایند.

نه تنها یک دیکتاتور بسا خشن سیاسی نیستند بل حکومت خویش را تقسیم نموده و در ۵۰٪ سهمیه خویش یک طیف وسیع از افغان ها را جاه داد و بالای آنها اعتماد نمود. هیچ تصمیم کلان در سطح کشور را خودسرانه و با یکه تازی اتخاذ ننموده اند و نمی نمایند. همه تصامیم کلان را در مشوره با شریکان سیاسی، وکلا، روحانیون، بزرگان قومی و جامعه مدنی کشور اتخاذ نموده اند و می نمایند.

نه تنها مخالفان سیاسی خود را با جبر سرکوب نکرده اند بل همیشه از ایشان دعوت بعمل آورده اند تا طرح های سازنده شان را جهت ختم جنگ، فقرزدایی، بازسازی و رشد دوامدار اقتصادی در کشور پیشکش نمایند اما بحال تأسف که مخالفان سیاسی ایشان دارای چنین یک درون مایه، جوهر، ظرفیت و بصیرت سیاسی نمی باشند.

آنها حتی برای قریه و ولسوالی خویش کدام طرحی ندارند. در یکی از ولسوالی های کشور بالغ بر دو صد خانواده را سیلاب برد، داکتر محمد اشرف غنی به آن ولسوالی رفت و طرحی را برای آن ولسوالی پیشنهاد و روی دست گرفت، در حالیکه وطنداران ما از آن ولسوالی از سال ۱۹۷۸ بدین سو در افغانستان حکومت میرانند و تا هنوز موفق نشده اند تا ولسوالی خویش را از خطرات احتمالی سیلاب ها مصون سازند.

نه تنها صنعت و تجارت در کشورش را برفع شخصی خود یا برفع خانواده خویش تحت کنترول خویش نگرفته است بل همه افغانها را تشویق نموده است و ضمیمه ها را فراهم آورده است تا در رشد صنعت و تجارت کشور سرمایه گذاری نمایند. حتی همه روزه مصروف ایجاد ضمیمه ها برای رشد صنعتی و تجارتي کشور بوده و دارای یک بصیرت وسیع و پلان طویل المدت واضح برای رشد دوامدار صنعتی، تجارتي و اقتصادی کشور میباشند.

ادامه دارد

